سبقت ذات الهی بر طبایع، وجود و حتی استحالهی تناقض

شاگرد: چرا نباشد؟! خُب، وجودش هم همینطور است.

استاد: طبیعت سابق بر وجود است. ما که میگوییم لوح نفس الامر اوسع از وجود است، زیاد ندیدم به این صورت تلقی میکنند که یعنی نفساالامر، غیر از وجود است. اوسع غیر از غیریت است. ما که نمیگوییم: نفس الامر غیر از وجود است. هر چه شما در لوح وجود میبینید، این نفس الامر است. حوزهای از نفساالامر است. نگویید نفساالامر یعنی آنچه که غیر از وجود است! ما نمیگوییم غیر از وجود است. تمام چیزهایی که تا به حال در مطالب کلاسیک خواندهایم، همهاش نفساالامر است. نه اینکه چون وجود شد، دیگر نفس الامر نیست. وجود هم یکی از حوزههای مهم آن است. ولی نفس الامر حوزههایی دارد که از این حوزه وجود و عدم مقابلی، اوسع است. بنابراین شما نکتهی خوبی فرمودید. میخواستم این را بگویم، یادم رفته بود.

بنابراین، «لک یا الهی وحدانیة العدد»، یعنی ذات تو است که بر آنها سبقت دارد. حتی صرف و مخلوط هم همین است؛ طبیعی و فرد. میگوییم: خداوند طبیعت است یا فرد است؟ شخص است یا کلی است؟ وقتی اهالبیت علیهم السلام، این ادبیات را ده جا گفتهاند، دیگر دوباره نباید همین را تکرار کنیم و بگوییم اینجا که نفرمودهاند. خداوند طبیعی است یا فرد است؟ کدامش است؟

شاگرد: خداوند است که کلی طبیعی را خلق کرده است.

استاد: احسنت؛ عبارت امام علیهالسلام این بود: **«و بمضادته بين الأشياء عرف أن لا ضد له»**[1]؛ اصل ضدیت، مضادة، تفرقه بین طبیعی و فرد. این معنای خیلی مهمی است. اگر ذهن انسان برود، میبیند چه فضایی است. مبدأ متعال، بر تمام حقایق، سبقت دارد. حتی بر استحالهی تناقض. این چیزی است که مرتب میگویند.

---

[1]. همان.

بازبینی #2
ایجاد شده 19 سپتامبر 2024 15:49:18 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 فوریه 2025 10:45:58 توسط ... .